



۱۰۶۳۸۲

۸۷/۱۱۱۰۲۲۴۵  
۸۷/۱۰۲۸



بنیادگرایی اسلامی و جایگاه آن در گفتمان غرب  
پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل  
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی  
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد  
در رشته مطالعات منطقه‌ای

توسط:

رضا یوسفی مقدم

استاد راهنما:

دکتر علی معنوی

خرداد ۱۳۸۷

۱۰۶۳۵۲

دفتر اطلاعات و ارتباطات علمی پژوهش  
شهرک دانش

۱۳۸۷ ۱۱۰۱ - ۵

تقدیریم به

دست‌های گرم مادرم

و

نگاه مهربان پدرم

## برگ تائیدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: بنیادگرایی اسلامی و جایگاه آن در گفتمان غرب پس از حادثه

۱۱ سپتامبر

نام دانشجو: رضا یوسفی مقدم

دوره: کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

این پایان نامه در جلسه ۳۵ ر ۱۳۸۷ با نمره ۱۹ و درجه عالی مورد

تائید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

استاد راهنما

دکتر علی معنوی

امضا

استاد مشاور

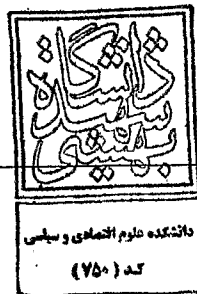
دکتر منصور میراحمدی

امضا

استاد ناظر

دکتر محمدرضا تاجیک

امضا



## اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی آذر ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. به استثنا کمک‌های مورد اشاره در سپاسگذاری محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

امضا  
۱۳۸۷/۳/۲۸

## سپاسگذاری

نگارش و تدوین این رساله بی‌شک بدون مساعدت، دلگرمی و تشویق دیگران میسر نمی‌گردید. بر خود لازم می‌دانم که از برخی از این عزیزان قدردانی کنم:

جناب آقای دکتر علی معنوی، استاد راهنما، که در طول نگارش این رساله با سخت‌گیری‌ها و دقت بجای‌شان، هدایت‌کننده شایسته‌ای برای بنده در نگارش پایان‌نامه بودند. خداوند توفیق روزافزون نصیب‌شان گرداند.

جناب آقای دکتر منصور میراحمدی، استاد مشاور، که علاوه بر دوره نگارش رساله در طول دوران تحصیل نیز نکات فراوانی از ایشان آموختم و همواره از نظرات ارزشمندشان بهره‌جستم. سایه‌شان مستدام و خداوند حافظ‌شان باد.

جناب آقای دکتر محمدرضا تاجیک، استاد ناظر، که از بزرگواری و متانت‌شان درس‌های بسیار گرفتم.

دوستان عزیزم جناب آقای دکتر آرمین امینی ریاست محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد کرج و جناب آقای عبدالله پروین که راهنمایی‌های ارزشمندشان چراغ راه بنده در طول نگارش پایان‌نامه بود.

همکلاسی‌های عزیزم آقایان سید رسول حسینی، سید احمد فاطمی، صابر کرمی، جمال جمالی، محمد قیصری، بهمن نجفی و خانم‌ها سمیه صالح‌نیا و سمیه حیدری که مجادله‌های علمی‌مان با یکدیگر در طول تحصیل درس‌های زیادی به من آموخت.

قدردانی نهایی اختصاص دارد به پدر و مادرم که هر چه دارم از لطف و کرم و مهربانی آن‌هاست.

عنوان: بنیادگرایی اسلامی و جایگاه آن در گفتمان غرب پس از حادثه ۱۱ سپتامبر

دانشجو: رضا یوسفی مقدم

استاد راهنما: دکتر علی معنوی

دوره: کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

تاریخ ارائه: ۱۳۸۷/۳/۵

### چکیده:

دلایل گوناگونی برای تشدید فعالیت‌های تروریستی توسط گروه‌های بنیادگرا در خاورمیانه ذکر شده است. بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه، استمرار حیات حکومت‌های خودکامه و وجود اسرائیل به عنوان دشمن تاریخی اعراب و مسلمانان از جمله این دلایل هستند. ولی با همه این‌ها مهم‌ترین دلیل تشدید فعالیت‌های تروریستی بنیادگرایان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حضور گسترده آمریکا در خاورمیانه می‌باشد. در واقع آمریکا منشا عوامل دیگر بوده است. در این دوره سیاست خارجی آمریکا با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران حالت تهاجمی و یکجانبه‌گرا پیدا کرد. همچنین در این دوره تهدید اسلام‌گرایان رادیکال که به سرزمین یا کشور مشخصی وابسته نبودند جایگزین تهدید شوروی که دولتی با ویژگی‌های وستفالیایی بود، شدند؛ به گونه‌ای که جورج بوش از آغاز جنگ‌های صلیبی سخن به میان آورد. همچنین استراتژی «مبارزه با تروریسم» در اسناد راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ جزو نکات اساسی می‌باشد. بر اساس این استراتژی آمریکاییان با استفاده از ابزارهای سخت بدنبال دستیابی به اهداف نرم (دمکراتیزه کردن رژیم‌های غیر دمکراتیک) هستند. این کار از نظر بنیادگرایان اسلامی هجوم سخت افزاری (نظامی) و نرم افزاری (ارزش‌های) غرب به جهان اسلام محسوب می‌شود که هویت آنان را به خطر می‌اندازد. حمله به افغانستان (تحت حاکمیت طالبان و مکان اصلی استقرار سازمان القاعده) و عراق (یک کشور اسلامی) باعث شد تا ایدئولوژی بنیادگرایان اسلامی برای مقابله با «کافرین مهاجم» رادیکال تر و خشونت طلبانه‌تر شود.

کلید واژه‌ها: بنیادگرایی اسلامی، سیاست خارجی آمریکا، سازمان القاعده، نومحافظه‌کاری،

خاورمیانه

## فهرست مطالب

۱.....	کلیات تحقیق
۲.....	۱. مقدمه و طرح مسئله
۳.....	۲. سابقه تحقیق
۳.....	۳. سوال اصلی و سوالات فرعی
۴.....	۴. مفروض‌ها
۴.....	۵. فرضیه تحقیق
۴.....	۶. مفاهیم و متغیرهای تحقیق
۵.....	۷. روش تحقیق
۵.....	۸. سازماندهی تحقیق
۶.....	بخش اول: سازه گرایی؛ سیاست خارجی آمریکا و بنیادگرایی اسلامی
۷.....	فصل اول: اصول و ابعاد رویکرد سازه گرایی
۸.....	۱. اهمیت ساختارهای هنجاری، ایده ای و فکری به اندازه ساختارهای مادی
۱۱.....	۲. نقش هویت های اجتماعی در شکل گیری منافع و رفتار بازیگران
۱۳.....	۳. ساخته شدن متقابل ساختار-کارگزار
۱۴.....	فصل دوم: تقابل اسلام و غرب؛ متکثر یا جوهرگرا
۲۳.....	نتیجه گیری
۲۵.....	بخش دوم: ۱۱ سپتامبر و تحولات سیاست خارجی آمریکا
۲۶.....	فصل اول: سیاست خارجی آمریکا (مبانی نظری)
۲۶.....	۱. استراتژی ها و منابع سیاست خارجی آمریکا
۲۶.....	۱.۱. استراتژی های حاکم بر سیاست خارجی آمریکا
۲۶.....	۱.۱.۱. انزوا طلبی
۲۹.....	۲.۱.۱. بین المللی گرایی



۳۲	۲,۱. منابع سیاست خارجی آمریکا.....
۳۲	۱,۱,۱. منابع خارجی.....
۳۴	۲,۱,۱. منابع اجتماعی.....
۳۶	۳,۱,۱. منابع حکومتی.....
۴۰	۴,۱,۱. منابع نقشی.....
۴۱	۵,۱,۱. منابع فردی.....
۴۲	۲. نومحافظه کاری؛ از ایده تا واقعیت.....
۴۳	۱,۲. پیشینه نومحافظه کاران.....
۴۷	۲,۲. مبانی فکری نومحافظه کاری.....
۴۸	۱,۲,۲. نومحافظه کاران و مذهب.....
۵۲	۲,۲,۲. نومحافظه کاران و هژمونی.....
۵۶	فصل دوم: ۱۱ سپتامبر، بنیادگرایی اسلامی و سیاست خارجی آمریکا.....
۵۷	۱. پیشینه حضور آمریکا در خاورمیانه.....
۵۸	۱,۱. ورود به خاورمیانه.....
۵۹	۲,۱. حضور آمریکا در خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم.....
۶۱	۲. ۱۱ سپتامبر؛ مبارزه با تروریسم به جای مبارزه با کمونیسم.....
۶۱	۳. جایگاه بنیادگرایی اسلامی در سیاست خارجی آمریکا.....
۶۳	۴. برتری روش‌های سخت‌افزاری به روش‌های نرم‌افزاری در مبارزه آمریکا با بنیادگرایی اسلامی.....
۶۷	نتیجه‌گیری.....
۶۹	بخش سوم: بنیادگرایی اسلامی؛ زمینه‌ها و ابعاد (با تأکید بر سازمان القاعده).....
۷۱	فصل اول: ویژگی‌های بنیادگرایی اسلامی.....
۷۱	۱. مفهوم بنیادگرایی اسلامی.....
۷۳	۲. زمینه‌های فکری جریان بنیادگرایی اسلامی.....
۷۵	فصل دوم: علل ضدغربی بودن بنیادگرایی اسلامی: نگاه درون‌گرا یا نگاه برون‌گرا.....

فصل سوم: روش های مبارزه در جنبش های بنیادگرای اسلامی.....	۷۸
۱. ماهیت اقدامات خشونت طلبانه در جنبش های اسلامی؛ تروریستی یا حق طلبانه.....	۷۸
۲. تروریسم مشروع یا تروریسم نامشروع.....	۸۰
فصل چهارم: القاعده؛ ایدئولوژی، ساختار و تشکیلات و فعالیت ها.....	۸۲
۱. ایدئولوژی سازمان القاعده.....	۸۳
۱,۱. تأثیر تفکرات «ابن تیمیه» و «سیدقطب» بر ایدئولوژی سازمان القاعده.....	۸۳
۲,۱. جایگاه جهاد در ایدئولوژی القاعده.....	۸۷
۲. تبارشناسی رهبران القاعده.....	۹۱
۱,۲. اسامه بن لادن.....	۹۱
۲,۲. ایمن الظواهری.....	۹۳
۳,۲. ابومصعب الزرقاوی.....	۹۴
۴,۲. ابوحمزه المهاجر.....	۹۴
۳. از القاعده آمریکایی تا القاعده ضدآمریکایی.....	۹۴
۱,۳. القاعده آمریکایی.....	۹۶
۲,۳. القاعده ضد آمریکایی.....	۹۷
۴. روند شکل گیری سازمان القاعده.....	۱۰۱
۱,۴. زمینه های شکل گیری.....	۱۰۱
۲,۴. القاعده پس از جنگ افغانستان.....	۱۰۳
۵. ساختار، منابع مالی و حوزه های فعالیت القاعده.....	۱۰۶
۱,۵. ساختار سازمانی القاعده.....	۱۰۶
۲,۵. منابع مالی القاعده.....	۱۰۹
۳,۵. حوزه های فعالیت القاعده.....	۱۱۱
نتیجه گیری.....	۱۱۴
بخش چهارم: سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و بنیادگرایی اسلامی.....	۱۱۷

فصل اول: خاورمیانه؛ محور سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر.....	۱۱۸
۱. حمله به افغانستان در دسامبر ۲۰۰۱.....	۱۱۹
۲. حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳.....	۱۲۲
۳. تداوم حمایت از اسرائیل.....	۱۲۴
۴. تداوم حمایت از رژیم های خودکامه منطقه.....	۱۲۶
۵. دموکراسی سازی در چارچوب «طرح خاورمیانه بزرگ».....	۱۲۷
فصل دوم: سیاست خارجی آمریکا و رادیکالیزه شدن القاعده.....	۱۳۰
نتیجه گیری.....	۱۳۴
نتیجه گیری.....	۱۳۵
منابع.....	۱۴۲

# کلیات تحقیق

## ۱- مقدمه و طرح مسئله

بنیادگرایی اسلامی نهضتی برخاسته از درون جوامع اسلامی و پاسخی دینی و سیاسی به بحران‌ها و آشفتگی‌های سیاسی-اجتماعی جوامع مسلمان بود. بنیادگرایی جدید علاوه بر تعقیب اهداف پیشین که مبتنی بر اصلاح و مبارزه با فساد در جوامع اسلامی بود، هدف و خواسته‌ی تازه‌ای پیدا کرد و آن مبارزه با هجوم استعمارگران خارجی به سرزمین‌های اسلامی است. این عامل از آن زمان تاکنون به صورت یکی از اهداف اصلی جریان بنیادگرایی اسلامی باقیمانده است.

مبارزه با نفوذ خارجی در یک دهه اخیر و در واقع بعد از جنگ سرد در قالب بمبگذاری‌ها در سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا (نایروبی) و تانزانیا (دارالسلام) در سال ۱۹۹۸ و سرانجام رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مثابه یک نقطه عطف در عرصه تحولات بین‌المللی، نمایان است. حادثه ۱۱ سپتامبر باعث شد تا روندهای نوین امنیتی در عرصه سیاست بین‌الملل بازتعریف شود.

سازمان القاعده که به اذعان بسیاری از نویسندگان روابط بین‌الملل، شکل‌گیری اولیه آن در قالب سربازان عرب-افغان در افغانستان و تحت حمایت آمریکا بود را می‌توان نمونه‌ای گویا در این راستا تلقی نمود. این گروه که جایگاه تاثیرگذار خود در نظام بین‌الملل یا حداقل نظام منطقه‌ای را از دست داد تلاش نموده است تا با اقدام به تهدیدات نامتقارن و ضربه‌زدن به منافع راهبردی آمریکا در سطح منطقه خاورمیانه و فراتر از آن در سطح بین‌المللی سیاست‌های امنیتی-راهبردی آمریکا، که به زیان ایدئولوژی بنیادگرایی اسلامی و در تقابل با اهداف کلان گروه القاعده در سطح بین‌المللی است را تحت‌الشعاع قرار دهد.

بنا بر آنچه ذکر شد در این تحقیق ابتدا به بررسی سیاست خارجی آمریکا و تغییراتی که پس از ۱۱ سپتامبر در آن رخ داد خواهیم پرداخت و سپس بحث خواهیم کرد که سیاست خارجی آمریکا چه تاثیری بر بنیادگرایی اسلامی به طور عام و سازمان القاعده به طور خاص داشته و این تاثیر چگونه و به چه دلایلی انجام پذیرفته است. در این راستا بررسی تحولات درونی سازمان القاعده از لحاظ شیوه مبارزه نظامی و ایدئولوژی سیاسی از یک سو و بازتاب‌های عینی آن در سطح منطقه خاورمیانه از سوی دیگر بخش دیگری از این پژوهش خواهد بود.

همچنین چارچوب نظری که برای این پژوهش به کار گرفته شده است رویکرد «سازه‌گرایی» می‌باشد.

## ۲- سابقه تحقیق

با توجه به اهمیت مقوله بنیادگرایی اسلامی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری به زبان انگلیسی به رشته تحریر در آمده است ولی در زبان فارسی نسبتاً با مشکل منابع مرتبط با موضوع مورد نظر مواجه‌ایم. کتاب‌هایی مثل *آینده اسلام و غرب* نوشته شیرین هانتر، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی* نوشته اندرو هی‌وود و *طالبان: جنگ، مذهب و نظم نوین* ترجمه کاظم فیروزمند از جمله کتاب‌هایی هستند که در زمینه بنیادگرایی اسلامی بحث کرده‌اند ولی هیچ یک از این کتاب‌ها و آثار و منابع دیگر در این زمینه به طور خاص در زمینه تاثیر سیاست خارجی آمریکا بر تشدید بنیادگرایی در خاورمیانه در بازه زمانی بعد از ۱۱ سپتامبر، بحث نکرده‌اند.

## ۳- سوال اصلی و سوالات فرعی

سوال اصلی:

«سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر چه نقشی در تشدید بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه داشته است؟»

سوالات فرعی:

- الف) روند تداوم و تغییر در سیاست خارجی آمریکا چگونه است؟ و حادثه ۱۱ سپتامبر چه تاثیری بر سیاست خارجی آمریکا داشته است؟
- ب) زمینه‌ها و ابعاد بنیادگرایی اسلامی چیست؟ ساختار سازمانی و فکری و حوزه‌های فعالیت سازمان القاعده دارای چه ابعادی هستند؟
- ج) ایالات متحده چه سیاست‌هایی را در خاورمیانه در پیش گرفته است که موجب رادیکال‌تر شدن سازمان القاعده شده است؟

#### ۴- مفروض‌ها

الف) سیاست خارجی آمریکا گرچه در اصول اساسی خود دارای تداوم است ولی شیوه‌های عملی که برای رسیدن به آن اصول مورد استفاده قرار می‌گیرد از دولتی به دولت دیگر متفاوت است.

ب) حادثه ۱۱ سپتامبر فضای مناسبی برای حاکم شدن اندیشه‌های تهاجمی نومحافظه‌کاران فراهم نمود.

ج) هجوم نظامی و ارزشی بیگانگان از دو قرن گذشته تاکنون به منطقه خاورمیانه از مهم‌ترین عوامل رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه بوده است. بر این اساس مهم‌ترین هدف بنیادگرایان بیرون راندن کفار از سرزمین‌های اسلامی بوده است.

#### ۵- فرضیه تحقیق

«سیاست خارجی تهاجمی ایالات متحده آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موجب رشد سریع و همراه با اقدامات قهرآمیز و خشونت طلبانه جریان بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاورمیانه شده و فعالیت‌های سازمان القاعده به عنوان مهم‌ترین گروه بنیادگرای اسلامی را هم از لحاظ شیوه مبارزه نظامی و هم از لحاظ ایدئولوژی سیاسی رادیکال‌تر کرده است.»

#### ۶- مفاهیم و متغیرهای تحقیق

##### مفاهیم

سیاست خارجی: یک راهبرد یا جریان برنامه‌ریزی شده از تصمیمات اتخاذ شده توسط تصمیم‌گیرندگان یک دولت در تعامل با دیگر دولت‌ها یا سایر بازیگران بین‌المللی، با هدف به دست آوردن اهداف مشخصی که در چارچوب منافع ملی تعریف شده است.

بنیادگرایی اسلامی: منظور حرکت و کوشش‌هایی می‌باشد که در راستای اعتراض به وضعیت انحطاط و فسادآلود جوامع مسلمان و مبارزه با نفوذ غرب در این جوامع صورت می‌گیرد. این کوشش‌ها از پشتوانه ایدئولوژیکی قدرتمندی برخوردارند.

تشدید یا رادیکالیزه شدن: به کاربردن این اصطلاح علاوه بر نشان دادن استمرار جریان بنیادگرایی اسلامی بیانگر رشد سریع همراه با اقدامات قهرآمیز و خشونت طلبانه این جریان می‌باشد.

یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا: منظور سیاست خارجی نومحافظه‌کاران آمریکا می‌باشد که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر حالت تهاجمی به خود گرفته و از مصادیق آن می‌توان مبارزه با تروریسم و حمله به افغانستان و عراق را مثال زد.

#### متغیرها

متغیر مستقل: سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

متغیر وابسته: بنیادگرایی اسلامی

#### ۷- روش تحقیق

بنابر مقتضیات داده‌های موجود، روش تحقیق در این رساله توصیفی-تحلیلی می‌باشد. به این مفهوم که پژوهشگر ابتدا ابعاد مسئله حاضر را توصیف و سپس تبیین می‌نماید.

#### ۸- سازماندهی تحقیق

این رساله مشتمل بر چهار بخش می‌باشد. در بخش اول با تجزیه و تحلیل رویکرد سازه‌گرایی، آن را چارچوبی مناسب برای بررسی تاثیر سیاست خارجی آمریکا بر بنیادگرایی اسلامی یافتیم. در بخش دوم با تجزیه و تحلیل روندهای تداوم و تغییر در سیاست خارجی آمریکا، به ریشه‌یابی جریان نومحافظه‌کاری در سامان سیاسی این کشور پرداخته و استراتژی این گروه را- که با روی کار آمدن جرج بوش پسر قدرت دوباره‌ای یافتند- برای پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر مورد واکاوی قرار دادیم. در بخش سوم نیز ابعاد ایدئولوژیک- سیاسی جریان بنیادگرایی اسلامی، به ویژه سازمان القاعده به عنوان مهم‌ترین و قدرتمندترین گروه بنیادگرای سنی را مورد بررسی قرار داده‌ایم و در بخش چهارم نحوه تاثیرگذاری سیاست خارجی آمریکا بر تشدید بنیادگرایی اسلامی به همراه آمار و ارقامی از حوادث تروریستی و بودجه اختصاص یافته به عراق و افغانستان توسط آمریکا برای اثبات ارتباط میان این دو متغیر، ارائه شده است.



بخش اول

سازہ گرایي؛

سياست خارجي آمريکا و بنياد گرايي اسلامي

یافتن نظریه مناسب برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال بنیادگرایی اسلامی و چگونگی تاثیرگذاری بر آن به علت پنهان ماندن زوایای بسیاری از تشکیلات و فعالیت‌های گروه‌های اسلامی کاری سهل و در عین حال مشکل است. آسان از این جهت که می‌توان با برداشت‌های گوناگون از فعالیت‌های مخفی گروه‌های بنیادگرا بسیاری از نارسایی‌های نظریه مطرح شده را رفع کرد، و مشکل از این جهت که بررسی راستین موضوع، نیازمند آشکار ساختن حداکثری زوایای پنهان موضوع از یک سو و کاربست نظریه‌ای در خور که بتواند ابعاد مختلف موضوع مورد نظر را تا حد امکان تجزیه و تحلیل و ابهام زدایی کند از سوی دیگر می‌باشد.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و به خصوص پس از حمله آمریکا به عراق و افغانستان بسیاری از اندیشمندان بر این باور شدند که نظریه برخورد تمدن‌ها و رویارویی اسلام و غرب به واقعیت پیوسته است، ولی در واقعیت چیز دیگری در جریان بود. جورج بوش گرچه در ابتدا، پیرو چنین نظریه‌ای از آغاز جنگ‌های صلیبی سخن به میان آورد ولی منافع راهبردی آمریکا در منطقه خاورمیانه از جمله امنیت انرژی باعث شد تا خوش بینی اولیه درباره برخورد تمدن‌ها به میزان زیادی در نزد اندیشمندان و مقامات ایالات متحده تعدیل شود.

با توجه به مطالب بالا، نگارنده علاوه بر نقد نظریه برخورد تمدن‌ها، رویکرد سازه‌گرایی را به عنوان نظریه‌ای مناسب برای تجزیه و تحلیل نقش سیاست خارجی آمریکا در تشدید و رادیکالیزه کردن بنیادگرایی اسلامی (با مطالعه موردی سازمان القاعده) مورد واکاوی قرار می‌دهد.

### فصل اول: اصول و ابعاد رویکرد سازه‌گرایی

سازه‌گرایی به عنوان یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل محصول زبان‌شناختی ساختاری، نظریه سیاسی پست‌مدرن، نظریه انتقادی، نقد ادبی و مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - سید عبدالعلی قوام، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲، ص ۲۷۶

سازه گرایی رویکردی متعلق به مناظره چهارم روابط بین‌الملل می‌باشد. بسیاری از نظریه پردازان روابط بین‌الملل بر این باورند که سازه گرایی یک تئوری نمی‌باشد بلکه رویکردی واسط و پلی میان اثبات گرایی و پسا اثبات گرایی می‌باشد. سازه گرایی از مفروضات هر دو رهیافت بهره می‌گیرد و مبانی آن را هنجارها، هویت، منافع، ساختار و کارگزار تشکیل می‌دهند.

سازه گرایی به صورت یکی از رویکردهای مطالعه سیاست بین‌الملل که خود از ترکیب سایر رویکردها تشکیل می‌شود، در تلاش است به نحوی نارسایی‌ها و کاستی‌های نظریه‌های گوناگون را با بهره‌گیری از برخی از گزاره‌های خود آن‌ها برطرف کند و به اصطلاح تصویری واقعی‌تر از الگوهای رفتاری سیاست بین‌الملل به دست دهد!

به طور کلی سازه‌گرایان سه اصل اساسی هستی‌شناختی در مورد زندگی اجتماعی و تاثیر آن بر سیاست خارجی در روابط بین‌الملل دارند، که عبارتند از:

#### ۱- اهمیت ساختارهای هنجاری، ایده‌ای و فکری به اندازه ساختارهای مادی

تا پیش از تحولات اساسی بین‌المللی در اواخر سده گذشته، توجه به «قدرت»، «منافع»، «ساختار» و «نهاد» برای مطالعه سیاست خارجی کشورها رواج بسیاری داشت. اما ناکامی نظریه‌های سیاست خارجی در پیش‌بینی و تحلیل آن تحولات، توجه به عوامل «فرهنگی» و «اجتماعی» را در دستور کار نظریه‌پردازان سیاست خارجی و روابط بین‌الملل قرار داد. پیدایش و رشد نگرش سازه‌گرایی در واقع مدیون این وضعیت است.

بر طبق نظر سازه‌گرایان آنچه که باعث شده است رهیافت‌های پوزیتیویستی در تحلیل و تبیین مقوله‌های بین‌المللی نارسا باشند عدم توجه به انگاره‌های ذهنی و تعاملات میان ذهنی است.

بر این اساس یکی از مختصات عمده سازه‌گرایی عنایت به ساختارهای فرهنگی و هنجاری در کنار عناصر مادی است، به گونه‌ای که حتی در این وضعیت انگاره‌ها هستند که به عناصر مادی قدرت همانند تسلیحات، سرزمین و جمعیت معنا بخشیده و هنجارها در شکل منافع دارای نقش

1- سید عبدالعلی قوام، *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲

عمده‌ای هستند. در اینجا باید ملاحظه کرد که تا چه اندازه میان هنجارهای داخلی، منطقه‌ای و بطور کلی بین‌المللی تناقض وجود دارند. برداشت‌های متفاوت فرهنگی و تحلیل الگوهای رفتاری بطور عمده بر اساس هنجارهای داخلی سبب می‌گردند تا الگوهای رفتاری ناشناس را بر اساس شناخته‌های خود ارزیابی کنیم و در نتیجه جهان ناشناخته را در درون جهانی که می‌شناسیم بنا نماییم. تحت این شرایط باید انتظار یک سلسله سوءتفاهمات، برداشتها و نیز ارزیابی‌های خاص را از رفتار سایرین داشت که همین امر می‌تواند باعث تعارضات در سطح بین‌المللی شود.<sup>۱</sup> در واقع این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه بر انگاره‌ها و اندیشه‌ها نیز تاکید می‌ورزد.

به بیان دیگر این دولت‌ها و سیاستگذاران هستند که به عوامل فیزیکی نظیر سرزمین، تسلیحات و جز این‌ها معنی می‌بخشند. سازه‌انگاران تمرکز خویش را روی اعتقادات بین‌الذهانی که در سطحی گسترده میان مردمان جهان مشترکند، قرار می‌دهند و برای نمونه هویت‌های ملی را به صورت ساخت بندی‌های اجتماعی در نظر می‌گیرند. همچنین بر این تصورند که منافع و هویت‌های انسان‌ها به صورتی که آنان خویشان را در روابط با سایرین درک می‌کنند، از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند. تحت این شرایط ابزارهایی چون نهادهای اجتماعی جمعی مانند حاکمیت دولت یا وضعیت آشوب زدگی بر اساس برداشت بازیگران تشکیل می‌یابد و می‌تواند ساخته و پرداخته ذهن آن‌ها باشد.<sup>۲</sup>

تعاملات میان‌ذهنی به عنوان مولفه اساسی مدنظر سازه‌گرایان نقش اساسی را در توصیف پدیده‌های سیاست بین‌الملل ایفا می‌کند و از دیدگاه نخبگان نظریه‌پرداز آن نظیر الکساندر ونت که از منظر سازه‌گرایی در غالبی کاملاً مفهومی به وقایع بین‌المللی می‌نگرد هویت دوست و دشمن و مسائلی نظیر آنارشی و ناامنی همگی از تفسیر ذهنی هویت یک بازیگر در عرصه تعاملات بین‌المللی نسبت به بازیگر دیگر نشأت می‌گیرد. از دیدگاه الکساندر ونت در سطحی کاملاً مفهومی «آنارشی همان چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند» (Anarchy Is What States Makes of)

۱- سید عبدالعلی قوام، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، پیشین، ص ۲۷۶  
۲- سید عبدالعلی قوام، *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، پیشین، صص ۲-۲۲۲